

تحلیل معرفت‌شناسی آموزش از دور بر مبنای مکتب سازنده‌گرایی و معرفت‌شناسی اسلامی

محمدرضا سارمدی*

استاد، فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام‌نور

تاریخ دریافت: 1395/06/20 تاریخ پذیرش: 1395/11/05

Analyzing E-Learning Epistemology based on Constructivism School and Islamic Epistemology M.R. Sarmadi*

Professor, Philosophy of Education, Payame Noor University

Received: 2016/09/10 Accepted: 2017/01/24

Abstract

The unprecedented growth of e-learning systems around the world and their emphasis on creation and transmission of cognition has caused that cognition and its related matters, which are the core of teaching and learning system, attract the attention of experts in the third millennium.

The aim of this study is to analyze E-learning epistemology from Islamic epistemology and constructivism's point of view. This study applies descriptive-analytical method to collect the library information including identifying, studying, classifying information, analyzing them and summing up the information regarding the case study; and surveys how to create cognition in E-learning system.

Results of this study showed that epistemology approach of constructivism school and its educational requirements are improving and epistemology in this school is relativism; but as the atmosphere of our educational system is based on Islam, doctrine inspiration can be applied to absolutely reach the real cognition in this educational system.

Keywords

Epistemology, E-learning, Islam, Constructivism, educational requirements.

چکیده

رشد بی‌سابقه نظام‌های آموزش از دور در دنیا و تأکید آنها بر ایجاد و انتقال معرفت سبب شده تا در هزاره سوم، معرفت و مسائل مربوط به آن که کانون اصلی نظام تعلیم و تربیت است، توجه متخصصان این حوزه را به خود معطوف کند. بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر تحلیل معرفت‌شناسی آموزش از دور از دیدگاه معرفت‌شناسی اسلام و سازنده‌گرایی است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، شامل شناسایی، مطالعه، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آنها و جمع‌بندی اطلاعات در خصوص موضوع مورد مطالعه پرداخته و چگونگی ایجاد معرفت در نظام آموزش از دور را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج این تحقیق نشان داد اگر چه رویکرد معرفت‌شناسی مکتب سازنده‌گرایی و الزام‌های تربیتی آن به سرعت رو به رشد و توسعه است و نوع نگاه به معرفت در این مکتب نسبی‌گرایانه است، اما از آنجا که چتر فلسفی حاکم بر نظام آموزشی ما اسلام است، می‌توان با استفاده از تعالیم وحی، دستیابی به معرفت حقیقی به صورت مطلق را در این نظام آموزشی ممکن کرد.

واژگان کلیدی

معرفت‌شناسی، آموزش از دور، اسلام، سازنده‌گرایی، الزام‌های تربیتی.

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تحلیل معرفت‌شناسی مکتب سازنده‌گرایی بر مبنای معرفت‌شناسی اسلامی و استلزامات تربیتی آن در آموزش از دور» است که در مرکز تهران جنوب دانشگاه پیام‌نور در سال 1395 به انجام رسیده است.

مقدمه

از میان مبانی مختلف فلسفی، معرفت‌شناسی که از مسائل مرتبط با شناخت بحث می‌کند و درصدد تفسیر علم و دانش و توجیه باورها و اندیشه‌های بشری است (کارآمد و بهشتی، 1392)، با فرایند یاددهی - یادگیری در نظام آموزش و پرورش نزدیکی بیشتری دارد، چرا که به اعتقاد مینارد¹، معرفت‌شناسی به ایجاد بستری فلسفی می‌پردازد که در قالب آن مشخص می‌شود چه نوعی از دانش امکان حصول دارد و اینکه چگونه می‌توان مطمئن شد آنها مناسب و درست هستند، از این رو معرفت‌شناسی همواره مورد توجه متخصصان نظام‌های آموزش و پرورش در جهان بوده است (بلیکی؛ ترجمه حسنی و همکاران، 1392).

در عصر حاضر گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، نظام‌های آموزش و پرورش جهان و به تبع آن نظام‌های یاددهی - یادگیری و روش‌های آن را متحول کرده است (آنجلو و ما²، 2010)، در این راستا نظام آموزش از دور با تکیه بر رویکردهای معرفت‌شناسی جدید مانند نظریه سازنده‌گرایی که بر ساختن دانش به وسیله یادگیرندگان به صورت انفرادی یا اجتماعی اشاره دارد، روز به روز با استقبال طیف بیشتری از مردم رو به رو شده است (عابدینی بلترک و نیلی، 1393). این در حالی است که توجه به رویکردهای جدید تعلیم و تربیت، مبتنی بر فرهنگ اصیل کشورهای مختلف نیز همواره در دستور کار متخصصان نظام آموزش و پرورش کشورهای مختلف بوده است، لذا از آنجا که فلسفه حاکم بر کشور ما منطبق بر دین مبین اسلام است، نظام آموزشی کشور نیز با هدف تربیت انسان‌های مومن و مسلمان به فعالیت می‌پردازد؛ بنابراین توجه ویژه به معرفت‌شناسی اسلامی در کنار توجه به سایر رویکردهای نوین تعلیم و تربیت در دنیای امروز یکی از مسائل مهمی است که توجه متخصصان نظام آموزشی به طور عام و نظام آموزش از دور به طور خاص در کشورمان را به خود معطوف کرده است.

با توجه به آنچه ذکر شد از آنجا که نظام آموزش از دور به طور وسیعی با اکتشاف و انتقال معرفت سروکار دارد و همچنین از آنجا که حوزه معرفت دلالت‌های مهمی برای

نظام‌های آموزشی داشته و سؤالات مهمی را مطرح می‌کند که با فرایند یاددهی - یادگیری رابطه‌ای نزدیک دارند، مسئله مهم پژوهش حاضر آن است که از سویی چتر فلسفی اسلام که حاکم بر نظام آموزشی کشور ما است و از سوی دیگر هجده‌های فرهنگی ناشی از فرهنگ سازنده‌گرایی که در نظام‌های آموزشی سراسر جهان ایجاد شده است، سبب شده تا متخصصان تربیتی به هنگام انتخاب رویکرد معرفت‌شناسی مناسب برای نظام آموزش از دور با چالش‌های جدی مواجه شوند. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها آن است که با توجه به ظهور نظریه نوین سازنده‌گرایی، از سویی نمی‌توان مکتب سازنده‌گرایی و الزامات تربیتی آن را به طور کامل به کنار نهاد، از سوی دیگر نمی‌توان چتر فلسفی حاکم بر نظام آموزشی کشور ما که دین اسلام است و نظریه‌های معرفت‌شناسانه آن را مدنظر قرار نداد، لذا ضرورت انجام پژوهش‌های تحلیلی معرفت‌شناسانه در نظام آموزش از دور کشورمان بر مبنای معرفت‌شناسی اسلامی با توجه به تداخل فرهنگ غربی در نظام‌های آموزشی و گسترش سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد دسترسی باز به اطلاعات در نظام آموزش از دور بر پایه معرفت‌شناسی سازنده‌گرا که نسبی‌گرا است و می‌تواند با ارزش‌های حاکم بر نظام آموزشی ما مغایر باشد، بیش از پیش مورد نیاز است. با توجه به آنچه ذکر شد تحلیل معرفت‌شناسی آموزش از دور از دیدگاه مکتب اسلام و سازنده‌گرایی و تفاوت میان این دو رویکرد هدف اصلی پژوهش حاضر است تا از این طریق بتوان راهکارها و پیشنهادهایی مناسب برای دست‌اندرکاران نظام آموزش از دور در حوزه معرفت‌شناسی ارائه کرد. بر اساس هدف ذکر شده، مقاله حاضر به دنبال ارائه پاسخ به سؤالات زیر است:

سؤال اول: معرفت در کدام نسل آموزش از دور رویکرد سازنده‌گرایی به خود می‌گیرد؟

سؤال دوم: معرفت در آموزش از دور از دیدگاه اسلام چگونه است؟

سؤال سوم: چه تفاوتی بین معرفت‌شناسی در آموزش از دور از دیدگاه مکتب اسلام و رویکرد سازنده‌گرایی وجود دارد؟

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که معرفت‌شناسی همواره یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه تعلیم و تربیت بوده است و این اهمیت از آن جهت است که «معرفت گنجینه

1. Maynard
2. Angello & Wema

شهر محل سکونت خود هستند، می‌توانند خلاء ناشی از این قبیل مشکلات را بدین طریق جبران کنند و خارج از محدودیت‌های زمانی و مکانی و بدون توجه به محل جغرافیایی خود فرصت‌های یادگیری انعطاف‌پذیرتری را در اختیار داشته باشند (ماپوآ، 2009: 102). این امر به نوبه خود می‌تواند با نیازمندی‌های جمعیت شاغل و قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی دانشجویان انطباق بیشتری داشته باشد.

این نظام آموزشی که حاصل تحولات سریع علم و فناوری است در طی نسل‌های مختلف خود روش‌های تعلیم و تربیت سنتی را به چالش کشیده است و طی مراحل تکوین خود بر مفروضات معرفت‌شناسی متفاوتی تأکید کرده است (همان: 109) که این مفروضات از دیدگاه‌های مختلفی نشأت گرفته است که هر کدام در زمان شکل‌گیری نسل‌های مختلف آموزش باز و از دور به نوعی بر مؤلفه‌های مهم این نظام آموزشی و راهبردهای یاددهی - یادگیری موثر بوده‌اند. در نسل‌های اخیر نظام آموزش از دور نیز که با گسترش بی‌سابقه دنیای فناوری اطلاعات و ارتباطات مقارن شده است، نظریه سازنده‌گرایی و مفروضات معرفت‌شناسی آن که بر ساختن دانش به وسیله یادگیرندگان به صورت انفرادی یا اجتماعی اشاره دارد و تأکید اصلی خود را بر نقش یادگیرنده در یادگیری داشته است، با استقبال زیادی روبه‌رو شده است.

معرفت‌شناسی سازنده‌گرایی

آنچه در خصوص معرفت‌شناسی نظریه سازنده‌گرایی قابل ذکر است، آن است که سازنده‌گرایی نظریه‌ای در خصوص کسب معرفت است که در فلسفه، روان‌شناسی و سیبری‌تیک ریشه دارد (چایدر، 2000؛ نقل در فردانش، شیخی فینی، 1381: 12). عقاید سازنده‌گرایان در خصوص نحوه کسب شناخت، کاملاً با عقاید سنتی که در آن حقایق و مفاهیم محدودی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود و سپس از آنها خواسته می‌شود تا آنها را از بر کنند، مخالف است (رضایی، پاک سرشت، 87)، به عبارت دیگر سازنده‌گرایی نظریه‌ای است در خصوص اینکه چگونه یادگیرنده به نحوی بی‌همتا، دانش را از تجربه بنا می‌کند (فون گلاسرفیلد 1987؛ نقل در فردانش، شیخی فینی، 1381: 24). لذا عقاید سازنده‌گرایان در خصوص کسب معرفت با نظریه‌ای ساده شروع می‌شود، سپس افراد ادراکات خود را از دنیایی که در

اصلی‌گزینش روش‌های تدریس و تعلیم و شناسایی، تفکیک و پی بردن به چگونگی عمل و نحوه تأثیرات و موارد خاص کاربرد انواع آنهاست (نلر، 1971؛ ترجمه بازرگان، 1380: ص 7) و معلم در همه وجوه فعالیت‌های حرفه‌ای خود با معرفت سروکار دارد، از روش تدریس گرفته تا برنامه تدریس، از رابطه معلم و شاگرد تا جایگاه معلم در نظام آموزشی. حتی آن‌گاه که معلم درباره رشد فکری یا بلوغ عاطفی شاگرد می‌اندیشد، سروکارش با معرفت یا به عبارت دیگر دانش قابل اعتماد است؛ بنابراین از آنجا که یادگیری با معرفت سر و کار دارد، معرفت‌شناسی در کانون توجه همه نظریه‌های یادگیری قرار می‌گیرد و حتی بسیاری از مناظرات رایج در حوزه تعلیم و تربیت در واقع درباره رویکردهای مختلف و یا اهداف گوناگون نیست، بلکه این مناظرات حول محور چگونگی شکل‌گیری معرفت یا دانستن و یا فرهیخته شدن است (فردانش، 1380: 66-65).

با توجه به آنچه ذکر شد معرفت‌شناسی سؤالات عمیقی را درباره معرفت مطرح می‌کند از جمله:

ماهیت معرفت چیست؟

حدود آن کدام است؟

راه رسیدن به معرفت کدام است؟

معیارهای معرفت قابل اعتماد چیست؟

منابع معرفت کدام‌اند؟ (همان: 67)

بنابراین معرفت‌شناسی به تعمق درباره ماهیت معرفت می‌پردازد و همواره پاسخ‌های گوناگونی که برگرفته از پذیرش رویکردهای فلسفی متفاوت نزد متخصصان نظام آموزشی است به پرسش‌های مطرح شده می‌دهد.

نظام آموزش از دور

نظام آموزش از دور نیز در عصر حاضر با بهره‌گیری از شیوه‌های فناورانه، به افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های آموزشی کمک کرده‌اند (سامپایو، 2008). در واقع آموزش از دور تحولی شگرف در فرضیات آموزشی ایجاد کرده است و صاحب نظران آموزش عالی را بر آن می‌دارد تا این نظام آموزشی رابه صورت یک نوآوری انسجام یافته و با اهمیت تلقی کنند که با بهره‌مندی از این آموزش، تعداد زیادی از علاقه‌مندان به تحصیلات دانشگاهی که به دلایل مختلف از فرصت حضور در کلاس‌های دانشگاه‌های سنتی برخوردار نیستند و یا دارای گرفتاری‌های شغلی یا مایل به تحصیل در

سوم: معرفت از راه سیستم‌های درون‌سازی و برون‌سازی شکل می‌گیرد: هنگامی که اطلاعات با چارچوب ذهنی شاگرد سازگار نیست، این اطلاعات نمی‌تواند در درون او ساخته شود و به ذخیره علم و معرفت وی اضافه شود. در این صورت برون‌سازی می‌کند، یعنی تئوری‌های بالاتر با منطق را در خود توسعه می‌دهد تا بر اطلاعات احاطه پیدا کند.

چهارم: تشکیل معرفت یک فرایند ارگانیک، نوآورانه و خلاق است، نه فرایند جمع‌آوری و انباشتن دانش یا فقط انباشتن حقایق بر روی هم: باید امکاناتی از قبیل تجربه، فرضیه سازی و پیش‌بینی کردن، دست‌کاری اشیاء و اطلاعات، جستجوی پاسخ‌ها، تصورکردن، رسیدگی و بررسی کردن و نوآوری را به منظور ساختن علم و معرفت، برای یادگیرندگان فراهم کرد.

پنجم: معرفت از طریق کنش و مواجه شدن‌های شناختی معنادار اتفاق می‌افتد که سبب باطل شدن ادراکات سطح پائین و غیر کامل قبلی می‌شود و نقش معلمان در این میان، راهنمایی است (رضایی، پاک سرشت، 1387). نمودار شماره یک معرفت‌شناسی در مکتب سازنده‌گرایی را نشان می‌دهد.

معرفت‌شناسی در اسلام

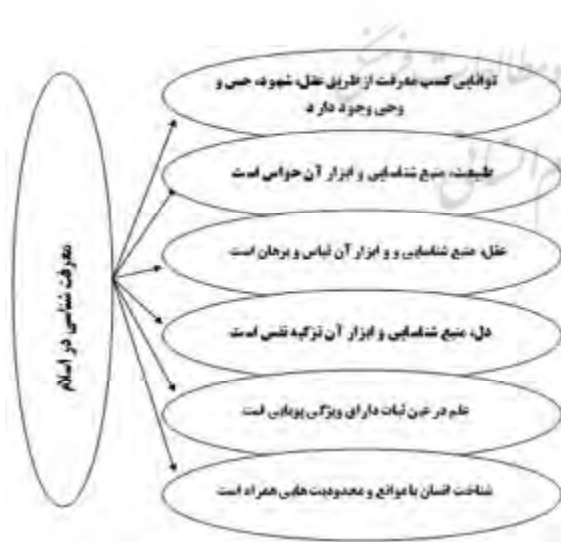
اندیشه‌ورزان مکتب اسلام نیز معتقدند که می‌توان به علم و

آن زندگی می‌کنند، می‌سازند؛ بنابراین مهم‌ترین پیش فرض معرفت‌شناسانه سازنده‌گرایی آن است که معنا، تابعی از چگونگی ساختن آن بر اساس تجربه‌های فردی است (رضایی، پاک سرشت، 1387).

در ادامه به برخی از دیدگاه‌های سازنده‌گرایی در خصوص معرفت اشاره می‌شود:

نخست: معرفت و دانش ساختنی است: دانش به وسیله خواندن و شنیدن به شخص دیگر منتقل نمی‌شود، بلکه زمینه‌ای بی‌همتا برای تفسیر اطلاعات جدید است. کتاب‌ها و سخنرانی‌ها مشتمل بر دانش نیستند، آنها کلماتی را مهیا می‌کنند که ممکن است به فرد کمک کند که درباره آنچه می‌شناسد، دوباره فکر کند و روابط ذهنی جدیدی به وجود آورد تا ترکیبات جدیدی از نظریات پرورش یابد (فردانش، شیخی فینی، 1381: 25)

دوم: معرفت و دانش به ساختارهای گذشته انسان بستگی دارد؛ بنابراین معرفت نسبی است و انسان‌ها دنیا را فقط از طریق چارچوب ذهنی خود می‌توانند بشناسند و از این چارچوب هنگام تغییر یا مرتب کردن و درک اطلاعات جدید استفاده می‌کنند؛ بنابراین هر چه با محیط خود در کنش متقابل بیشتری باشند، چارچوب ذهنی معنادار بیشتری ساخته شده و تحول می‌یابد (فوس نات¹، 1986؛ نقل در ذوفن، 1383: 58).



شکل 2. معرفت‌شناسی در اسلام



شکل 1. معرفت‌شناسی سازنده‌گرایی

قیاس است که از کلی به جزئی است، در حالی که در علوم تجربی، ذهن انسان از حکم جزئی به حکم کلی می‌رسد؛ بنابراین صرفاً با آزمایش و تجربه نمی‌توان علل واقعی یک سلسله پدیده‌ها را به دست آورد و در بسیاری از آزمایش‌ها احتمال می‌رود که عامل یا عوامل اصلی تبیین یک پدیده از نظر دور مانده باشند، لذا به همین جهت است که قضایای تجربی غیر یقینی است و همواره شاهد تغییر نظریه‌های علمی هستیم (بهشتی و همکاران، 1392: 11-12). نمودار شماره دو معرفت‌شناسی در اسلام را نشان می‌دهد.

پیشینه به دست آمده درخصوص پژوهش حاضر حاکی از آن است که مطالعات اندکی در خصوص تحلیل معرفت‌شناسی آموزش از دور از دیدگاه اسلام و سازنده‌گرایی صورت گرفته است، اما شواهد متقاعدکننده‌ای وجود دارد که می‌توان معرفت از دیدگاه اسلام و سازنده‌گرایی را مورد مطالعه قرار داد. برخی از پژوهش‌های این قلمرو شامل موارد ذیل است:

عرفانی، مددی‌زاده، نصیری (1395) در پژوهشی با عنوان معرفت خداوند در اندیشه شیخ مفید و علامه طباطبایی با توجه به دیدگاه‌های معرفت‌شناسی آنها که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد به بررسی آرای این دو اندیشه‌مند پرداخته و اختلافات آنها در حوزه معرفت‌شناسی و آثار آن بر حوزه خداشناسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد معرفت نزد شیخ مفید یا از طریق حس و مشاهده حاصل می‌شود که در این صورت علم ضروری است و یا از طریق استدلال عقلی به دست می‌آید که در این صورت علم کسبی است؛ از این رو به نظر وی خداوند را به هیچ معنایی نمی‌توان مشاهده کرد؛ در حالی که از نظر علامه طباطبایی، معرفت به معنایی که ذکر شد منتفی نیست، اما معنای کاملی از معرفت محسوب نمی‌شود، بلکه معرفت حقیقی و کامل، یک معرفت شهودی است و تامل در آیات و روایات، پرورش عقل عملی و تزکیه نفس، زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا خداوند معرفت شهودی و حضوری به انسان عنایت کند. بر این اساس علامه طباطبایی بر خلاف شیخ مفید در تفسیر آیاتی از قرآن کریم که به رویت و لقای پروردگار اشاره دارد، از نوعی مشاهده پروردگار سخن گفته است که معرفتی حضوری و ضروری

معرفت دست یافت (طباطبایی، 1385: 133)، همچنین در فلسفه اسلام اهمیت موضوع معرفت سبب شده تا برخی از اندیشه‌مندان مسلمان به صورت نظام‌مندتری به این موضوع بپردازند. شهید مطهری درباره اهمیت شناخت می‌گوید: «مسئله شناخت، امروزه اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است و کمتر مسئله‌ای به اندازه مسئله شناخت، امروز مهم است» (مطهری، 1371: 12). از ویژگی‌های مهم حکمت و فلسفه اسلامی، توجه به نگرش‌های قرآنی و تلاش برای شناسایی و معرفی دیدگاه وحی در این زمینه است. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «قرآن نمی‌تواند یک مکتب باشد و درباره خود شناخت، ابزار شناخت، منابع شناخت و کیفیت شناخت هیچ نظری نداشته باشد» (همان: 32-24)، لذا در حوزه اندیشه اسلامی، حس، شهود، عقل و وحی ابزارهای مهم کسب معرفت هستند، محصول این ابزارها نیز، مکمل و مؤید یکدیگر است.

همچنین قابل ذکر است که در مکتب اسلام وحی از یک سو به عنوان یکی از منابع مهم کسب معرفت و از سوی دیگر عقل به عنوان منبع مهم دیگر آن چنان تأثیر شگرفی بر معرفت‌شناسی اسلامی گذاشته است که اندیشه‌ورزان مکاتب مختلف اسلامی به طور چشمگیری همواره به بررسی ارتباط آنچه از قلمرو معرفت برای آدمی قابل حصول است و آنچه بر نبی وحی شده بود پرداخته‌اند. در این رابطه می‌توان به برخی از دیدگاه‌های مکتب اسلام در خصوص معرفت اشاره کرد:

- نخست: توانایی کسب معرفت از طریق ابزار معرفت (عقل، شهود، حس و وحی) وجود دارد؛ بنابراین هر اندازه که آگاهی‌های انسان نسبت به ماهیت یکی شیء بیشتر شود، علم او به آن شیء بیشتر خواهد شد.
- دوم: طبیعت منبع شناسایی و ابزار آن حواس است.
- سوم: عقل منبع شناسایی و ابزار آن قیاس و برهان است.
- چهارم: دل منبع شناسایی و ابزار آن تزکیه نفس است.
- پنجم: علم در عین ثبات دارای ویژگی پویایی است؛ بنابراین همان‌گونه که علوم مختلف می‌توانند همواره در حال رشد باشند، معرفت نیز در حال گسترش است.
- ششم: شناخت آدمی با موانع و محدودیت‌هایی همراه است: مبنای اصلی استدلال‌های فکری انسان همان

«رویکردهای رفتارگرایی برای مراحل ابتدایی یادگیری»، «شناخت‌گرایی برای ایجاد یادگیری معنادار» و «سازنده‌گرایی برای محیط‌های باز یادگیری» تأکید دارد.

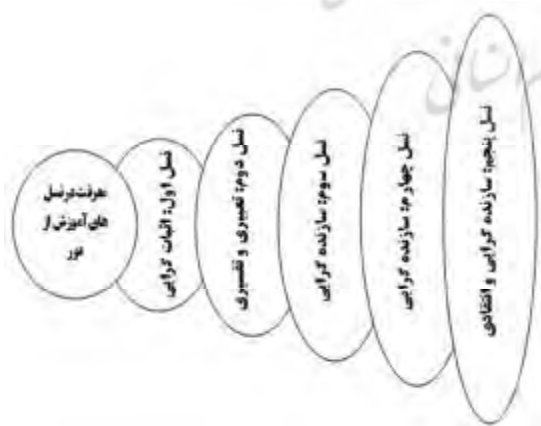
روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است و از لحاظ نوع تحقیق، بر مبنای هدف نظری و روش آن، توصیفی - تحلیلی است. نیاز تحقیقات کیفی، شناسایی منابع مربوط به موضوع تحقیق، مطالعه متون، درک معنای متن و استخراج مطالب مورد نظر از این منابع، ایجاد ارتباط میان مطالب و توصیف و تحلیل آنها و بحث و نتیجه‌گیری از اطلاعات جمع‌آوری شده است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و شامل شناسایی و مطالعه منابع علمی موجود، از جمله مقالات و کتاب‌هایی که در زمینه معرفت در نظام آموزش از دور طبق دیدگاه اسلام و سازنده‌گرایی نوشته شده‌اند و فیش‌برداری، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده و پاسخ به سؤالات تحقیق می‌باشد.

بررسی سؤالات پژوهش

سؤال اول: معرفت در کدام نسل آموزش از دور رویکرد سازنده‌گرایی به خود می‌گیرد؟

نظام آموزش باز و از دور به عنوان یک نظام آموزشی انعطاف‌پذیر که می‌تواند حصارهای زمان و مکان را از بین ببرد، به طور وسیعی با اکتشاف و انتقال معرفت سروکار



شکل 3. معرفت در نسل‌های آموزش از دور

محسوب می‌شود و روایات معصومین (ع) را هم موید این دیدگاه می‌داند.

همچنین نتایج پژوهش هاشمی اردکانی، نوروزی و نصرآبادی (1387)، در پژوهشی با عنوان درآمدی بر معرفت‌شناسی سهروردی و دلالت‌های تربیتی که به روش توصیفی - تحلیل انجام شد، نشان داد سهروردی معرفت را محصول تقابل و تعامل استدلال عقلی و درک شهودی می‌داند که دستیابی به آن جز از طریق ترکیب نفس امکان‌پذیر نیست، همچنین از نظر او، از طریق تجربه حضوری، انسان می‌تواند برخی از حقایق را مستقیم و بدون واسطه بشناسد.

رضایی (1387) در پژوهشی با عنوان دیدگاه‌های معرفت‌شناسی برنامه‌دستی در نظام آموزش باز و از راه دور به تبیین رابطه معرفت‌شناسی و آموزش باز و از دور و بحث درباره رویکردهای معرفت‌شناسی غالب هر یک از نسل‌های سه‌گانه آموزش از دور می‌پردازد و نتایج پژوهش او نیز نشان داد با توجه به پیدایش و سیر تحولات این نظام آموزشی عمده‌ترین رویکردهای معرفت‌شناسی نسل‌های مختلف عبارت‌اند از: اثبات‌گرایی، تعبیری یا تفسیری و انتقادی یا رهایی‌بخش.

رضایی و پاک‌سرشت (1387) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر دیدگاه‌های معرفت‌شناسی بر فعالیت‌های یاددهی - یادگیری در نظام آموزش باز و از راه دور که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد، برای تبیین رابطه معرفت‌شناسی و آموزش باز و از راه دور درباره رویکردهای معرفت‌شناسی و روان‌شناسی غالب، در نسل‌های سه‌گانه آموزش و پرورش پرداختند که هر کدام به نوعی نگرش و عملکرد مریبان این نظام آموزشی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، نتایج پژوهش نشان داد با توجه به پیدایش و سیر تحولات نظام آموزش باز و از دور رویکردهای معرفت‌شناسی این نسل‌ها عبارت‌اند از 1. اثبات‌گرایی یا پوزیتیویسم، 2. تعبیری یا تفسیری، 3. انتقادی یا رهایی‌بخش.

همچنین فردانش (1380) نیز در پژوهشی با عنوان به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری براساس رویکردهای معرفت‌شناسی، به بررسی ارتباط میان رویکردهای یادگیری و معرفت‌شناسی پرداخته است. یافته‌های پژوهش او حاکی از آن است که به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری به ترتیب بر استفاده از

حمایتی و آموزشی را ارائه دهد. نسل پنجم قادر است هوش مصنوعی را به توانایی‌های شبکه اضافه کند و نوعی اشتراک معنایی را به وجود آورد. در واقع در آخرین نسل آموزش از دور فرایند یاددهی - یادگیری و محتوای آموزشی بیش از پیش به صورت کاملاً الکترونیکی طراحی و تدوین می‌شود و قدرت فناوری‌های الکترونیکی بیش از قبل نمایان می‌گردد، نیز متاثر از معرفت‌شناسی انتقادی و سازنده‌گرا است (رضایی، پاک سرشت، 1387؛ نجفی، 1392: 116). شکل شماره سه، معرفت‌شناسی در نسل‌های آموزش از دور را نمایش می‌دهد.

سؤال دوم: معرفت در آموزش از دور از دیدگاه اسلام چگونه است؟

معرفت در فلسفه اسلامی را نخستین بار در قرن یازدهم هجری ملاصدرا مطرح کرد، او منشاء معارف بشری را حس ظاهری و باطنی می‌داند و وجود عقل را برای ساختن مفاهیم کلی و چپنیش پایه معارف بشری ضروری می‌داند.

از نظر علامه طباطبایی در بحث معرفت‌شناسی، در صورتی که حقیقتی مسلم وجود داشته باشد، ذهن آن را به طور کامل تشخیص می‌دهد، اما در صورتی که به مسئله‌ای برخورد کنیم که از قبل روشن نباشد، در آن صورت معیار تشخیص حقیقت از خطا «منطق» است (طباطبایی، 1385: 141). منطق، علمی است که پایه نظری شناخت را تشکیل می‌دهد (مطهری، 1371: 25).

همچنین علامه طباطبایی در خصوص اینکه حقیقت نسبی است یا مطلق، بیان می‌کند که اساساً حقیقت نسبی معنی ندارد و اگر ادراک افراد مختلف از آن متفاوت است، تنها از بین ادراکات گوناگون، یکی از ادراکات صحیح است (طباطبایی، 1385: 155).

در بحث ابزار شناخت نیز استاد مطهری (1371: 38-58)، ابزار شناخت را حواس، عقل و دل می‌داند، علامه طباطبایی نیز ابزار شناخت را حس، عقل، شهود و وحی می‌داند در حالی که سایر اندیشه‌مندان مسلمان به قوای باطنی، و قلب نیز به عنوان ابزار شناخت اشاره کرده‌اند (آرمند و مهرمحمدی، 1388).

همچنین قابل ذکر است که در ادیان توحیدی و به ویژه دین اسلام معرفت را به عنوان راهی برای دستیابی به شناخت خداوند معرفی می‌کنند. در واقع انسان می‌تواند دو نوع شناخت و معرفت داشته باشد. شناخت حصولی (علم با

دارد، لذا معرفت‌شناسی یا نظریه دانش و معرفت، برای دست‌اندرکاران این نظام آموزشی در طی نسل‌های مختلف رشد آن، اهمیتی حیاتی یافته است (رضایی، پاک سرشت، 1387: ص 11). از زمان شروع فعالیت این نظام آموزشی تا کنون پنج نسل، قابل شناسایی است، این پنج نسل به شرح زیر است:

- نسل اول که با آموزش مکاتبه‌ای شروع شد (پیترز، 2000) و از آن به عنوان آموزش تک رسانه‌ای نیز یاد می‌شود، کتاب‌های درسی چاپ شده و راهنمای درسی آن، اصلی‌ترین فناوری این نسل بود. روش آموزشی نظام‌های نسل اول بر پایه عقاید روان‌شناسی رفتارگرایی استوار است و رویکرد معرفت‌شناسی غالب نیز در نسل اول، رویکردی اثبات‌گرایانه است (نجفی، 1392).

- نسل دوم با اختراع رادیو و تلویزیون، همچنین نوارهای دیداری و شنیداری به عنوان مهم‌ترین واسطه‌های آموزشی شروع به کار کرد (بونسکو، 2002؛ نقل در همان: 114) رویکرد معرفت‌شناسی این نسل که به آموزش چندرسانه‌ای معروف است، غالباً رویکرد تعبیری و تفسیری بود و بیشتر بر تحلیل‌های کیفی و زبانی تأکید داشت (رضایی، پاک سرشت، 1387؛ نجفی، 1392: 114).

- نسل سوم نظام آموزش از دور با ابداع ریزپردازنده‌ها و کاربرد رایانه و اتصال به اینترنت از مزیتی همچون امکان برقراری تعاملات انسانی هم‌زمان و غیر هم‌زمان که به وسیله مجموعه‌ای از فناوری‌های ارتباطات از دور، به ویژه همایش‌های صوتی، تصویری و رایانه‌ای برقرار می‌شد، شروع به کار کرد، لذا رویکرد معرفت‌شناسی این نسل سازنده‌گرا است و با هدف خلق فرصت‌هایی برای دانشجویان به منظور ایجاد و بازسازی دانش گسترش یافت (رضایی، پاک سرشت، 1387؛ نجفی، 1392: 115).

- نسل چهارم نظام آموزش از دور نیز از آنجا که توانسته است سه ویژگی عمده و اولیه شبکه را با هم تلفیق سازد، یعنی بازیابی حجم گسترده‌ای از اطلاعات محتوایی، ظرفیت تعاملی ارتباطات مبتنی بر رایانه و قدرت پردازشگری مربوط به پردازشگرها از طریق نرم‌افزارهای برنامه نویسی، معرفت‌شناسی سازنده‌گرا دارد (همان).

- نسل پنجم نیز با ارائه خدماتی چون مدیریت اجرای شبکه، امکان دستیابی به کتابخانه‌ها و دیگر خدمات اجرایی و حمایتی توانسته است نظامی منسجم از عناصر اجرایی،

چهارم: ادراکات بدیهی، تحلیل‌های مستقیم ذهن از یافته‌های حضوری است و چون روح انسان، هم بر یافته‌های حضوری خود و هم بر تحلیل‌های ذهنی‌اش، احاطه دارد، تطابق آنها را ادراک می‌کند. از این جهت، حقیقی بودن ادراکات بدیهی، نیازی به اثبات ندارد. ولی

واسطه) و شناخت حضوری (علم بی‌واسطه) (طباطبایی، 1385: 47)

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که فلاسفه و حکمای اسلامی برخلاف پندارگرایان، معتقد به جهان خارج از ذهن هستند و برخلاف شکاکان و



شکل 4. مهم‌ترین ویژگی‌های معرفت‌شناسی در اسلام

ادراکات نظری (غیر بدیهی) چون به طور مستقیم از یافته‌های حضوری گرفته نشده‌اند، نیاز به دلیل دارند. یعنی باید آنها را به ادراکات بدیهی، برگرداند و حقیقی بودن آنها را اثبات کرد. بیان روش صحیح برگردانیدن ادراکات نظری به بدیهی به عهده علم منطق است (همان)

با توجه به آنچه ذکر شد در خصوص مطالعه معرفت در نظام آموزش از دور می‌توان ضمن کسب معرفت از ابزارهایی چون حواس، عقل، شهود، قلب، می‌توان با بهره‌گیری از تعالیم وحی که انبیاء عرضه کرده‌اند نیز به معرفت سطوح بالاتر دست یافت. شکل شماره چهار، مهم‌ترین ویژگی‌های معرفت‌شناسی در اسلام را نشان می‌دهد.

سؤال سوم: چه تفاوت‌هایی بین معرفت‌شناسی در آموزش از دور از دیدگاه مکتب اسلام و رویکرد سازنده‌گرایی وجود دارد؟

با بررسی معرفت و نحوه شکل‌گیری آن در دو رویکرد سازنده‌گرایی و اسلامی می‌توان دریافت که تفاوت‌های زیادی در زمینه معرفت در این دو رویکرد وجود دارد که به شرح زیر است:

سوفیست‌ها، حقایق را قابل شناخت می‌دانند. معرفت‌شناسی اسلام در مقایسه با سایر مکاتب دارای ویژگی‌های خاص خود است که مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

نخست: معرفت انسان، منحصر به ادراکات حسی نیست. بلکه انواع دیگری از شناخت برای انسان وجود دارد که از جمله آنها شناخت حضوری یا شهودی و وحی و الهام است. بعضی از این شناخت‌ها اختصاص به افراد خاص دارند و هیچ‌گاه در همه مردم، فعلیت نمی‌یابند. مانند شناخت ایحائی (وحی) که ویژه پیامبران است (مصباح یزدی، 1382: 140).

دوم: ادراک، یک پدیده مادی نیست. یعنی بعضی از انواع آن بستگی یا ارتباطی با ماده ندارند. مانند علم الهی. بعضی دیگر نیز دارای شرایط و زمینه‌های مادی است که در اثر فعل و انفعالات بیوشیمیایی، فیزیولوژیکی و غیره به دست می‌آیند. مانند ادراکات حسی.

سوم: در میان ادراکات همگانی، یک سلسله ادراکات بدیهی وجود دارند که حقیقت بودن آنها خود به خود ثابت است و اثبات حقیقی بودن سایر ادراکات منوط به آنهاست. مانند مجال بودن تناقض (مصباح یزدی، 1386: نقل در عارفی، 1388).

جدول 1. برخی از تفاوت‌های معرفت در مکتب اسلام و سازنده‌گرایی، منبع مؤلف

معرفت در رویکرد اسلام	معرفت در رویکرد سازنده‌گرایی
معرفت دائمی و ثابت است	معرفت نسبی است
حقیقت: آنچه مطابق با واقع است	حقیقت: ذهنی است
معرفت از جهان خارج قابل شناسایی است	معرفت از جهان خارج ساختنی است
امکان دستیابی به معرفتی حقیقی وجود دارد	امکان دستیابی به معرفت وجود دارد
معرفت در یادگیرندگان بر اساس تجارب شخصی (شامل حواس و عقل و شهود) همچنین وحی شکل می‌گیرد	معرفت در یادگیرندگان بر اساس تجارب شخصی (شامل حواس و عقل و شهود) شکل می‌گیرد
معرفت در انسان با محدودیت‌هایی مواجه است که جز با بهره‌گیری از وحی کامل نمی‌گردد	معرفت در انسان به ساختارهای گذشته او بستگی دارد
یک چیز یا حقیقت است یا خطا	حقیقت یا خطا بودن در نظر افراد مختلف متفاوت است
بسط و گسترش معرفت به صورت فردی و اجتماعی است	بسط و گسترش معرفت به صورت فردی و در محیط‌های اشتراکی است
امکان تعمیم معرفت وجود دارد	امکان تعمیم معرفت وجود ندارد

همچنین در اسلام امکان بسط و گسترش معرفت به صورت فردی و اجتماعی وجود دارد و چون امکان دسترسی به معرفت اصیل نیز وجود دارد؛ بنابراین می‌توان معرفت ایجاد شده را تعمیم داد، در حالی که در سازنده‌گرایی گسترش معرفت به صورت فردی و در محیط‌های اشتراکی فناورمحور صورت می‌گیرد؛ بنابراین احتمال این می‌رود که نتوان به معرفت اصیل دست یافت، لذا معرفت ایجاد شده در بسیاری از موارد قابلیت تعمیم را ندارد. در جدول شماره 1 برخی از تفاوت‌هایی که در مباحث مربوط به معرفت‌شناسی در نظام آموزش از دور از نظر اسلام و سازنده‌گرایی وجود دارد، از نظر نگارنده ذکر شده است.

نتیجه‌گیری و بحث

عصر جدید که حاصل تغییر و تحولات بسیار سریع فناوری‌محور است، الزامات خاص خود را به همراه دارد که شاخص‌ترین آنها می‌تواند درک معنای عصر جدید و جدی گرفتن دلالت‌های آن در حوزه‌های تأثیرگذار زندگی انسان، از جمله نظام آموزش و پرورش باشد. نظام آموزش باز و از دور نیز به موازات سایر نظام‌های آموزشی، در تشکیل معرفت، تربیت نیروی انسانی و کمک به پیشرفت جوامع، تأثیرات فراوانی داشته است، در واقع این نظام آموزشی امروزه در سراسر جهان به طور وسیعی با تشکیل و انتقال معرفت در انسان‌ها سر و کار دارد. از این رو در این حوزه سؤالات مهمی درباره معرفت‌شناسی مطرح می‌شود، لذا

معرفت در اسلام ثابت است در حالی که معرفت در سازنده‌گرایی نسبی است، شهید مطهری در نقد نسبی‌گرایی معرفت معتقد است، حقیقت نسبی اساساً معنا ندارد و اینکه دو نفر یک جسم را با دو کیفیت متفاوت می‌شناسند، لزوماً به این معنا نیست که خود آن جسم، نفس‌الامر دارای دو کیفیت است یا فاقد هر دو ویژگی است و دارای کیفیت سومی خواهد بود، در واقع آن جسم نمی‌تواند در زمان واحد دارای دو کیفیت مختلف باشد (خسروپناه، 1383: 1)؛ بنابراین حقیقت از نظر اسلام، مطابق با واقع است، یعنی یک چیز یا حقیقت است یا خطا، در حالی که حقیقت در سازنده‌گرایی ذهنی است؛ بنابراین از نظر افراد مختلف متفاوت است.

همچنین از نظر سازنده‌گرایان، شاگرد خودش معرفت نسبت به جهان را از طریق حواس، عقل و شهود می‌سازد و این معرفت به ساختارهای گذشته او بستگی دارد، یعنی افراد مختلف با توجه به ساختارهایی که از گذشته خود دارند، می‌توانند معرفت متفاوتی را بنا کنند، در حالی که از نظر اسلام، شاگرد با بهره‌گیری از حواس، عقل، شهود، جهان را شناسایی می‌کند و برای تکامل آن با بهره‌گیری از تعالیم وحی که اصیل‌ترین معرفت‌ها را بیان می‌کند، بهره می‌گیرد (کشانی، نوروزی، بختیار نصرآبادی، 1387)، از این رو در اسلام امکان دستیابی به معرفت حقیقی و کامل وجود دارد در حالی که در سازنده‌گرایی امکان دستیابی به معرفت وجود دارد و ممکن است این معرفت کامل نباشد.

هدف از مقاله حاضر بررسی معرفت‌شناسی آموزش از دور از دو دیدگاه مکتب اسلام و سازنده‌گرایی بود و نتایج این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد به شرح ذیل است:

نتایج پژوهش درخصوص سؤال اول: «معرفت در کدام نسل آموزش از دور رویکرد سازنده‌گرایی به خود می‌گیرد؟» نشان داد که تا کنون پنج نسل در نظام آموزش از دور قابل شناسایی است که نسل اول و دوم دارای رویکرد معرفت‌شناسی اثبات‌گرا و تعبیری و تفسیری است اما این نظام آموزشی از نسل سوم به بعد خود با توجه به اتصال به دنیای فناوری اطلاعات و ارتباطات و دسترسی گسترده و همگانی شاگردان به اطلاعات، امکان ساخت دانش برای یادگیرندگان را به صورت فردی و در محیط‌های اشتراکی فراهم آورده است، از این رو معرفت در نسل‌های سوم، چهارم و پنجم منطبق با رویکرد سازنده‌گرایی است، این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های رضایی (1387)، رضایی و پاک سرشت (1387)، فردانش (1380) هم‌خوانی دارد، در واقع طبق نظر ابراهیم‌زاده (1385) سازنده‌گرایی - از نسل سوم به بعد - راهکارهایی را به یادگیرندگان نشان می‌دهد تا چگونگی کسب معرفت را بیاموزند و بتوانند با استفاده از منابع اطلاعاتی متنوع معرفت را درخود بنا کنند.

همچنین نتایج سؤال دوم درخصوص سؤال دوم با عنوان «معرفت در آموزش از دور از دیدگاه اسلام چگونه است؟» نشان داد، همان‌گونه که استاد مطهری (1371): 291 نیز می‌گوید برخی از ویژگی‌های معرفت در اسلام عبارت‌اند از:

عدم تکامل معرفت حقیقی، یعنی چنانچه یک مفهوم ذهنی با واقعیت مطابق باشد، همیشه صادق است و دچار تغییر و تحول نخواهد شد، چرا که یک قضیه یا صادق است و یا کاذب و هرگز نه صادق‌تر می‌شود و نه کاذب‌تر.

مطلق بودن معرفت حقیقی: معرفت نسبی معنا ندارد، زیرا وقتی دو نفر دریافت‌های مختلف و متضاد درباره حقیقت داشته باشند، بالاخره یکی از آنها مطابق با واقعیت است و دریافت دیگری غیر واقع و خطا است.

جمع نشدن معرفت حقیقی و خطا: معرفت حقیقی و خطا، در مقابل یکدیگر قرار دارند. اگر امری حقیقی باشد، خطا نیست و اگر خطا باشد، حقیقی نیست؛ بنابراین هیچ

اندیشه نظری از یک جهت واحد، نمی‌تواند آمیخته به حقیقت و خطا باشد.

دائمی بودن معرفت حقیقی: در بحث از دائمی بودن معرفت حقیقی، چند نکته قابل ذکر است، نخست اینکه دائمی بودن معرفت حقیقی، مربوط به علوم حقیقی است نه علوم اعتباری. دوم اینکه بحث دوام معرفت حقیقی، مربوط به حقایق یقینی است نه حقایق احتمالی.

قابل ذکر است از آنجا که نظام آموزشی کشور ما به دنبال تربیت انسان‌هایی مسلمان است، لذا ویژگی‌های ذکر شده در خصوص معرفت، در نظام‌های دیگر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، این یافته‌ها با نتایج پژوهش هاشمی اردکانی، نوروزی و نصرآبادی (1387) هم‌خوانی دارد، بنابراین متخصصان نظام آموزش از دور نیز باید به دنبال تربیت انسان‌هایی باشد که معرفت حقیقی از خطا را به درستی تشخیص داده و به دنبال کسب معرفت حقیقی باشند.

در خصوص پاسخ به سؤال سوم: «چه تفاوتی بین معرفت‌شناسی در آموزش از دور از دیدگاه مکتب اسلام و رویکرد سازنده‌گرایی وجود دارد؟» می‌توان گفت در کنار شباهت‌هایی که معرفت در رویکرد سازنده‌گرایی و اسلامی وجود دارد، تفاوت‌های اساسی نیز میان معرفت در این دو رویکرد دیده می‌شود که به تفسیر در جدول شماره یک به آن اشاره شده است.

با توجه به آنچه ذکر شد در جهان کنونی رویکرد معرفت‌شناسی مکتب سازنده‌گرایی و الزامات تربیتی آن در نظام‌های آموزشی جهان به سرعت رو به رشد و توسعه و نوع نگاه به معرفت در این مکتب نسبی‌گرایانه است و برای دستیابی شاگرد به معرفت، قائل به ساخت دانش بر اساس ساختارهای گذشته فرد و با ابزارهایی همچون حواس، عقل و شهود است. به نظر مکتب اسلام که چتر فلسفی حاکم بر جامعه ما را شکل می‌دهد، دستیابی به چنین معرفتی، فردی و ناکامل است. از آنجا که دین اسلام دارای محتوای کاملی است، نوع کامل‌تری از معرفت را ارائه می‌کند که معرفتی مطلق است و در کنار ابزارهای معرفت سازنده‌گرایی، تأکید بر معرفت از طریق وحی و کلام خداوند نیز دارد. اسلام معتقد است در کنار سایر ابزارها، با تأکید بر قرآن و آموزه‌های دینی همان‌گونه که شهید مطهری نیز می‌گوید که «قرآن نمی‌تواند یک مکتب باشد و درباره خود شناخت، ابزار شناخت، منابع شناخت و کیفیت شناخت هیچ نظری

آموزش از دور، می‌توان در خصوص معرفت در این نظام آموزشی مطابق با ارزش‌های حاکم بر نظام آموزشی کشورمان دست یافت.

نداشته باشد» می‌توان به کامل‌ترین معرفت‌ها دست یافت. لذا پیشنهاد می‌شود با انجام پژوهش‌هایی درخصوص تشابهات میان معرفت‌شناسی در دین اسلام و سازنده‌گرایی و راهکارهایی جهت دستیابی به معرفت حقیقی در نظام

منابع

- طباطبائی، محمد حسین (1385). اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد 1، قم: انتشارات صدرا.
- عابدینی بلترک، میمنت؛ نیلی، محمدرضا (1393). تحلیل جایگاه سازنده‌گرایی به عنوان رویکرد نوین یادگیری در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی، دوره 11، شماره 13، صص 6-17.
- عرفانی، مرتضی؛ مددی‌زاده، بصیره؛ نصیری، علی‌اکبر (1395). معرفت خداوند در اندیشه شیخ مفید و علامه طباطبائی با توجه به دیدگاه‌های معرفت‌شناسی آنها، حکمت و فلسفه، سال دوازدهم، شماره اول، صص 92-79.
- عارفی، عباس (1388). چالشی در بدیهیت، فصلنامه ذهن، شماره 4.
- کارآمد، حسین؛ بهشتی، سعید (1393). رویکرد عقل‌گرایی در برنامه درسی بر اساس معرفت‌شناسی ابن سینا، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره 21، صص 59-82.
- کشانی، مهدیه؛ نوروزی، رضاعلی؛ نصرآبادی؛ حسنعلی، بختیار (1387). درآمدی بر ارزش‌های معرفت‌شناسی از دیدگاه علامه طباطبائی و دلالت‌های تربیتی آن. *مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)*، تعلیم و تربیت اسلامی (8)، سال 17، صص 66-78.
- مطهری، مرتضی (1371). مسئله شناخت، تهران، صدرا، ص 12.
- مطهری، مرتضی (1371). شناخت در قرآن، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مشهد.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1382). خودشناسی برای خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص 111.
- نلر، جی اف (1971). آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فریدون بازرگان (1380). انتشارات سمت، تهران.
- نجفی، حسین (1392). مبانی روش شناختی و فلسفی آموزش از دور، نسل‌ها و نظریه‌های آن، نامه آموزش عالی، دوره 4، شماره 1، صص 1-10.
- ابراهیم‌زاده، عیسی (1385). تعلیم و تربیت مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات: جستارهای مفهومی. فصلنامه پیک نور، سال چهارم، شماره 4، صص 3-13.
- آرمند، محمد؛ مهرمحمدی، محمود (1388). نقد و بررسی الگوی تربیت منش لیکونا بر اساس آراء علامه طباطبائی، مطالعات برنامه درسی، شماره 13 و 14، صص 25-62.
- بهشتی، سعید؛ ملکی، حسن؛ ویسی، غلامرضا (1392). سیاست‌های حاکم بر اهداف آموزشی در معرفت‌شناسی استاد مطهری و کاربست آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال اول، شماره سوم، 169-192.
- بلیکی، نورمن (1392). پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه سیدحمیدرضا حسنی و همکاران، قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خسروپناه، عبدالحسین (1383). استاد مطهری و نقد نسبی‌گرایی، پگاه حوزه، شماره 128، پنجم اردیبهشت. ذوفن، شهناز (1383). کاربرد فناوری‌های جدید در آموزش، تهران، سمت.
- رضایی، محمدهاشم؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر (1387). تأثیر دیدگاه‌های معرفت‌شناسی بر فعالیت‌های یاددهی یادگیری در نظام آموزش باز و از راه دور، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره 4، شماره 4، صص 9-36.
- رضایی، محمدهاشم (1387). دیدگاه‌های معرفت‌شناسی برنامه درسی در نظام آموزش باز و از راه دور، پیک نور، سال ششم، شماره سوم، به مناسبت بیستم سال تاسیس دانشگاه پیام نور.
- فردانش، هاشم؛ شیخی فینی، علی‌اکبر (1381). درآمدی بر سازنده‌گرایی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء. سال دوازدهم، شماره 42.
- فردانش، هاشم (1380). به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری براساس رویکردهای معرفت‌شناسی، مدرس علوم انسانی، دوره پنجم، شماره سه، پاییز 80.

دلالت‌های تربیتی آن، دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال سوم، صص 161-180.

جدید، سال ششم، شماره بیست و دوم، صص 107-127.

هاشمی اردکانی، سیدحسن؛ نوروزی، رضاعلی؛ نصرآبادی، حسنعلی (1387). درآمدی بر معرفت‌شناسی سهروردی و

Angello, C. & Wema, E. (2010). Availability and usage of ICT and e-resources' by livestock researchers in Tanzania: challenges and ways forward. International of education and development using information and communication technology, Vol 6, issue 1, pp 1-13.

Mapua, J. (2009). Confronting challenges to e-learning in higher education institution.

International journal of education and development using information and communication technology (IJEDICT), Vol 5, issue 3, pp 101-114.

Sampaio, R. (2008). Educar, ensinar e aprender a distância na era digital: principios básicos, proceedings of the X simpósio. International de Informática Educativa, 03-05, October 2008. Salamanca, pp: 145-150.

